Journal of Theory & Practice in Curriculum
Vol.20 (10); 2023, 283-312

دو فصلنامهٔ نظریه و عمل در برنامهٔ درسی
سال دهم، شمارهٔ ۲۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ۳۱۲-۲۸۳

طراحی مدلی برای برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان پیش از دبستان(۳ تا ۵ سال)[۱]

Designing a Model of Curriculum for Teaching Philosophy to Preschool Children (3 to 5 Years Old)

سانازماهری[۲]، علیرضا عراقیه[۳]، یحیی قائدی[٤]، امیر حسین مهدی زاده[٥]، پری سوسهابی[٦]

چکیده: هدف پژوهش حاضر طراحی الگوی برنامه درسی فلسفه برای کودکان پیش دبستان ۳ تا ۵ بر اساس الگوی کلاین است. برای دستیابی به این هداف از روش سنتزپژوهی در طراحی الگو استفاده شد. قلمرو پژوهش حاضر، اسناد در حوزه فلسفه برای کودک و نمونه¬گیری به روش هدفمند و تعداد نمونه ۵۰ مقاله (۲۵ مقاله فارسی و ۲۵ مقاله لاتین) ، الگوی برنامه درسی فلسفه برای کودک بر اساس عناصر نه گانه کلاین طراحی گردید. نتایج پژوهش حاضر حاکی از ۱۳ مؤلفه اصلی برنامه درسی فلسفه برای کودک بود که عبارت‌اند از: اصول فلسفه برای کودک، ویژگی‌های فلسفه برای کودک، اهداف، توجه به سن، منابع آموزشی، مراحل آموزش فلسفه، روش‌های آموزش، ویژگی‌های معلم، روش‌های یادگیری، فعالیت‌های یادگیری، روش‌های ارزشیابی، پیامدهای برنامه درسی فلسفه برای کودک.

واژگان کلیدی: فلسفه،کودکان، پیش از دبستان ۳ تا ۵ ساله،طراحی برنامه درسی

S. Maheri, A. Araghieh,Y. Ghaedi, A.H.Mehdizadeh, P.Soosahabi

Abstract: The present study was conducted to design a philosophy curriculum model for preschool children aged 3 to 5 years based on nine elements of Klein. To achieve this goal, has been used synthesis method in pattern design. The scope of research was documents in the field of philosophy for children which by purposive sampling 50 articles (25 Persian articles and 25 Latin articles) was selected. The philosophy curriculum model for children was designed based on nine elements of Klein. The findings of this study showes 13 main components of philosophy curriculum for children, which are: principles of philosophy for children, characteristics of philosophy for children, goals, attention to age, educational resources, stages of teaching philosophy, teaching methods, teacher characteristics, learning methods Learning activities, assessment methods, implications of the philosophy curriculum for the child.

Keywords: Philosophy, children, 3 to 5-year-old preschool, Designing curriculum

---

[۱]. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول تحت عنوان طراحی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان پیش از دبستان(۳ تا ۵ سال) می‌باشد.تاریخ دریافت: ۱٤۰۱/۰٥/۱۰– تاریخ پذیرش: ۱٤۰۱/۰۷/۲۳

[۲] دانشجوی دکتری تخصصی برنامه ریزی درسی گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران،، رایانامه: Sannaz_maheri@yahoo.com
[۳] دانشیار گروه علوم تربیتی ، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران ،(نویسنده مسئول) رایانامه: Araghieh@iiau.ac.ir
[٤] دانشیار گروه علوم تربیتی ، دانشگاه خوارزمی ، تهران، ایران، رایانامه: Yahyaghaedy@yahoo.com
[٥] استادیار گروه علوم تربیتی ، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران، رایانامه:Mehsizadeh@iiau.ac.ir
[٦] استادیار گروه علوم تربیتی ، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران ، رایانامه:Pari_sousahabi@yahoo.com

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مقدمه

در عصر حاضر،رشد کودک در تمامی ابعاد از اهمیت به سزایی برخودار است چرا که کودکان از جمله عوامل کلیدی در تجدید حیات هر نسل محسوب می‌شوند(فیشر و تلنت،۲۰۱۹). آموزش فلسفه به عنوان شیوه‌ای مطلوب برای رشد همه جانبه کودک چندین دهه است که در مرکز توجه اندیشمندان تربیتی قرار گرفته است(هابز،۲۰۱۸). آموزش فلسفه به کودکان، شیوه تفکر صحیح درباره اندیشه‌ها را به آنها آموزش می‌دهد(سیداکویی،گرارد و سی،۲۰۱۷). دسته‌ای فلسفه را مجموعه ای از آرا و عقاید فیلسوفان درباره موضوعات فلسفی می‌دانند و دسته دوم آموزش فلسفه را عبارت از عمل فلسفه‌ای می دانند. با توجه به این دیدگاه ها فلسفه را به دو صورت می توان آموزش داد، در دیدگاه اول فلسفه عبارت است از انتقال اندیشه های فلسفی به یادگیرندگان و در دیدگاه دوم آموزش فلسفه عبارتند از یاد دادن چگونه اندیشیدن (قائدی، ۱۳۸۳). برنامه فلسفه برای کودکان بر پایه رشد مهارت ها در گروه و در ارتباطات اجتماعی بنا نهاده شده است(ناجی و حبیبی عراقی،۱۳۹۷)، و بر نقش مشارکتی و اجتماعی فراگیران تاکید دارد(محمدیان و فرقدانی،۱۳۹۷).

با فلسفه،کودکان می‌آموزند که به بررسی سازوکار افکار بپردازند(سرمدی،رضایی،روحانی فر،۱۳۹۸) در واقع فلسفه برای کودکان، فلسفه را به عنوان سکوی پرتابی قلمداد می‌کند که عقل، تصوراخلاقی و تفکرانتقادی در آن پرورش می‌یابند و مفهوم فلسفه در این برنامه چیزی نیست به جز فلسفیدن (قائدی، ۱۳۸۳). نظام تعلیم و تربیت هر کشور به عنوان نهادی سازمان یافته با ارائه برنامه آموزش فلسفه به کودکان پارادایمی جدید را در عرصه تعلیم و تربیت مطرح نموده است(مرعشی، صفایی مقدم، خزامی،۱۳۸۹). بدین گونه که با پرورش تفکر و استدلال موجب افزایش استانداردهای تعلیم و تربیت شده است(باباپورواجاری،میرشفیعی،ثابت دیوشلی و خوارزمی رحمت‌اله آبادی،۱۳۹۵). آموزش فلسفه به کودک با تغییر ریشه‌ای در آموزش و پرورش و با تاکید بر رویکرد نقش مربی در فعال‌سازی تفکر کودک و محور قرار

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

دادن کودک بـر یـادگیری از طریـق اکتشـاف و آزمـایش و سـاختار علـم تاکیـد مـی-کند(هدایتی،قائدی،شفیع آبادی و یونسی،۱۳۸۸) . عدم وجود برنامه آموزش فلسـفه بـه کودکان به صورت رسمی، آموزش مهارت‌های تفکر فلسفی قبل از ورود به دبستان را با مشکل رو به رو می‌کند(مرعشی و همکاران،۱۳۸۹). کودکان هنگام اشتغال بـه تحصـیل برای اندیشیدن و با هم اندیشیدن به صورت گروهی و ادامه یادگیری نیـاز بـه آمـوزش فلسفه دارند(طباطبایی و موسوی،۱۳۹۰). در واقع آموزش روش فکر کردن کلی‌تـرین و عمومی‌ترین هدف این برنامه درسی است(سجادیان جاغرق و همکاران،۱۳۹٤). از ایـن رو در سال‌های اخیر، علاقه به تقویت مهارت‌های تفکـر و بـالا بـردن سـطح یـاددهی-یادگیری و با سوادی در نظام آموزش و پرورش جهان بـه طـور فزاینـده‌ای رواج یافتـه است آموزش فلسفه به کودکان، هوش کودکان را بالا می‌برد و توانایی آن‌ها را در مـورد مسائل اخلاقی پرورش می‌دهد، آن‌ها را به تفکر وا می‌دارد و آن‌ها را نسبت بـه مسـائل اطرافشان دقیق‌تر می‌کند(رشتچی و کیوانفر،۱۳۸۸). در این بین البتـه چـالش هـایی نیـز وجود دارد، یکی از این چالش‌ها امکان آموزش فلسفه به کودکان و پاسخ به این سـوال است که آیا امکان آموزش فلسفه به کودکان وجود دارد؟(قائدی،۱۳۸٦) در رویکردهـای جدید آموزش فلسفه، اعتقاد بر آن اسـت کـه راه‌هـایی بـرای شـرکت دادن کودکـان در گنجینه فلسفه وجود دارد، تقابل بین نمود و حقیقت،داوم و تغییر،وحـدت و کثـرت، از سنین بسیار پایین برای کودکان بسیار جذاب است(باقری‌نوع پرست،۱۳۹۵).

بنابراین لازم است نظام تعلیم و تربیت در دوره معاصر بیش از گذشته، کانون توجـه خود را به جای محتـوا بـر فراینـد و مهـارت‌هـای خـلاق و نقـاد معطـوف کنـد(پیج و موخرجی،۲۰۰۷؛ سزار،۲۰۰۸). قدرت تمیز، داوری و استدلال از اهمیـت انکارناپـذیری در زندگی جمعی و فردی برخوردار است.در این ارتباط پژوهش‌های متعددی صـورت گرفته است به طور مثال مونتی و ماریا(۲۰۰۱) در تحقیقی گزارش کردند که بـا اجـرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان در دو مدرسه ابتدایی شهر مکزیکو با استفاده از آزمـون استدلال نیوجرسی دانش آموزان شرکت کننده در برنامه مهارت‌هـای اسـتدلال و تفکـر انتقادی عملکرد بالاتری نسبت به کودکانی داشتند که در این برنامه شرکت نکرده بودند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

نتایج پژوهش تریکی(۲۰۱٦) نیز نشان داد آموزش فلسفه تغییر قابل توجهی در استدلال کلامی و غیرکلامی کودکان پدید آورده است.موریس(۲۰۱٦) در پژوهشی با عنوان برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر روی شکل‌گیری کودک ایده‌آل فیلسوف نشان داد که آموزش فلسفه برای کودکان می‌تواند در شکل کیری تفکر در کودکان موثر باشد و همچنین این برنامه آموزشی در کمک به مربیان کودکان در آموزش‌های خود می‌تواند بسیار موثر باشد. در پژوهش ورلی(۲۰۱٦) با عنوان فلسفه و کودکان نشان دادند که برنامه آموزش فلسفه برای کودکان می‌تواند در جهت رشد و بهبود توانایی استدلال، پرورش خلاقیت، پرورش تفکر انتقادی، پرورش درک اخلاقی و ارزش‌های هنری، پرورش شهروندی و رشد میان فردی و فردی، پرورش توانایی مفهوم یابی در تجربه موثر باشد. دی ماسی و سانتی(۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان یادگیری تفکر آزادمنشانه نشان دادند که آموزش فلسفه برای کودکان را قادر به اندیشیدن به سبک تفکر آزادمنشانه در فرایند تصمیم گیری می‌کند و از طریق آموزش فلسفه می‌توانند تفکر پیچیده خود را بهبود بخشند.یافته‌های پژوهش موسوی و طباطبایی(۱۳۹۰) نشان داد که اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان به روش حلقه کند و کاو بر پرورش توانایی پرسشگری دانش آموزان دختر مقطع دبستان موثر است.تحقیق هدایتی(۱۳۸۸) نشان داد که اجرای برنامه فلسفه برای کودکان به صورت اجتماع پژوهشی از دیدگاه مربیان بر بهبود مهارت‌های ارتباط میان فردی کودکان تاثیر معناداری دارد.کمالی مطلق و نوشادی(۱۳۹٦) تحقیقی را با عنوان تاثیر آموزش فلسفه برای کودکان بر سطح پرسشگری دانش آموزان ابتدایی انجام داده‌اند.نتایج این تحقیق نشان داد که آموزش فلسفه برای کودکان بر سطح پرسشگری دانش آموزان تاثیر مثبت و معناداری داشت.همچنین پس از آموزش فلسفه برای کودکان، سطح پرسشگری گروه آزمایش بر اساس حیطه شناختی بلوم از سطح دانش به سطح تجزیه و تحلیل ارتقا یافت.طبری و همکاران(۱۳۹٦) تحقیقی را با عنوان بررسی تاثیر فلسفه و کودک بر روحیه پرسشگری و مهار خشم در دانش آموزان انجام داده‌اند.یافته‌های پژوهش نشان داد که اعتبار و تاثیر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

برنامه فلسفه برای دانش‌آموزان در پرورش روحیه پرسشگری و مولفه‌های آن و مهار خشم در ایشان مورد تایید است.جلیلیان و همکاران(۱۳۹٦) تحقیقی با عنوان اثربخشی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش توانایی حل مساله و قضاوت اخلاقی در دانش آموزان انجام داده‌اند.نتایج نشان داد که اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر افزایش توانایی حل مساله و رشد قضاوت اخلاقی دانش آموزان تاثیر مثبتی داشت و تاثیر آموزش فلسفه بر افزایش حل مساله و قضاوت اخلاقی بر حسب جنسیت معنادار نبود.

شواهد تحقیقاتی فوق حاکی از آن است که فلسفه برای کودکان از برنامه‌های آموزشی است که این امکان را فراهم می‌آورد تا کودکان و نوجوانان افکار پیچیده خود را شکل دهند. از این رهگذر استدلال، تفکرات انتقادی و خلاقانه و نوع دوستی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. این برنامه نظامند بیشتر برای کار بر روی کودکان طراحی شده است(فراهانی،میرزامحمدی،خارستانی،۱۳۸۷). فلسفه برای کودک هدف‌های شناختی روشنی دارد؛ ذهن را وادار به عمل می‌کند، این کار را از طریق چالش‌ها، تفکر اصولی و تعامل ساختاری انجام می‌دهد، به علاوه این برنامه هدف‌های اجتماعی نیز دارد و آن آموزش فرایند تصمیم‌گیری دموکراتیک است. این برنامه در پرورش مشارکت خودآگاهی کودکان سهمی قطعی دارد(هاینز،۲۰۰۲).فلذا با توجه به اینکه دوران کودکی یکی از دوران طلایی زندگی برای پرورش ذهن و تفکر کودک است و آنجایی که فلسفه در این زمینه از نقش پر اهمیتی برخوردار است و از طرفی ناتوانی نظام آموزش سنتی در تربیت انسان‌های مبدع و مخترع که قابلیت مواجهه با مسائل و مشکلات دنیای مدرن را داشته باشند. کنجکاوی کودکان درباره مسائل گوناگون و بیان ایده‌ها و افکارشان که برخاسته از زندگی شخصی آن‌هاست، نیازمند محیطی است تا زمینه‌ساز رشد و بالندگی آن‌ها شود، آن‌ها باید یاد بگیرند تا چگونه خوب گوش دهند، بیندیشند، سخن بگویند و کاوشگری کنند(عسکری، دیناروند، ترکاشوند،۱۳۹٤). بنابراین با توجه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

به اهمیت دوران کودکی تحقیق حاضر به دنبال طراحی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان ۳ الی ۵ سال است.

سوال پژوهش: الگوی برنامه درسی فلسفه برای کودکان ۳ تا ۵ ساله بر اساس الگوی کلاین دارای چه مولفه ها و ویژگی‌هایی است؟

مواد و روش کار

روش پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش سنتز پژوهی صورت گرفت. سنتزپژوهی به دنبال عملیاتی کردن این اصل است که علم قابلیت تجمیع یا تراکم نظام‌مند دانش‌های پیشین تولید شده را دارد و در واقع به دنبال این سوال است که نتیجه واحد همه یافته‌های پژوهشی گذشته چیست؟ آنچه که در پژوهش حاضر مد نظر است ارائه سنتزپژوهی از یافته‌های پژوهش‌های حول برنامه‌درسی فلسفه کودک از سال ۲۰۱۱ الی ۲۰۲۱ و ۱۳۹۰ الی ۱٤۰۰ است.سنتزپژوهی حاضر در شش مرحله گاف(۲۰۱۲) انجام شد: ۱-مرحله اول(تعیین معیارهای ورود) برای این که مطالعه‌ای بتواند در یک سنتزپژوهی مورداستفاده قرارگیرد باید دارای یک سری ویژگی‌ها باشد به این ویژگی‌ها که بر اساس هدف و یا سوال سنتزپژوهی تعیین می‌شوند، معیارهای ورود یا شایستگی گفته می شود. معیارهای ورود در سنتزپژوهی حاضر به شرح زیر است:

معیارهای ورود: ۱-حیطه جغرافیایی: سراسر دنیا، زبان گزارش‌های پژوهشی: انگلیسی و فارسی، سال انتشار: با توجه به این که پژوهش حاضر به دنبال شناسایی و مطالعه تمامی رویکردها و نظریه ها در خصوص برنامه‌درسی فلسفه برای کودکان است که در قسمت مبانی نظری سعی شد برای طراحی برنامه بیشتر به پژوهش های جدید توجه بیشتری شود، نوع سند: پژوهش های معتبری که به چاپ رسیده باشند و دارای متن کامل باشند.۲-مرحله دوم(جستجو) : در این مرحله ابتدا کلید واژه ها تعریف شدند. با توجه به این که مطالعه حاضر به دنبال سنتز نظریه‌ها و رویکردهای در زمینه برنامه‌درسی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

فلسفه کودک هست که به بررسی فلسفه کودک و عناصر آن در کشورهای مختلف پرداخته است، لذا دامنه این پژوهش‌ها بسیار گسترده است، برای جستجو از کلیدواژه-های انگلیسی: Philosophy for children,P4C, Philosophy for 3 to 5-year-old children, preschool, P4C curriculum و کلید واژه‌های فلسفه برای کودکان، فلسفه برای کودکان پیش دبستانی ۳ تا ۵ سال،آموزش فلسفه به کودکان، برنامه درسی فلسفه برای کودکان از طریق پایگاههای اطلاعاتی داخلی و خارجی، مطالعات و منابع مورد نظر، بازیابی شدند. سپس از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی مطالعات و منابع مورد نظر بازیابی شدند.در این مرحله ۱۲۷ نسخه ثبت شد.

مرحله سوم:(غربالگری): برای اطمینان از اینکه پژوهش‌هایی که در مرحله جستجو شناسایی و انتخاب شده بودند، از معیارهای ورود برخوردار است، در یک فرایند غربالگری دو مرحله ای، داوری و گزینش می‌شوند. بدین صورت که ابتدا چکیده گزارش پژوهش‌ها بررسی و در مرحله بعد ازبین پژوهش‌های باقی مانده، جهت بررسی دقیقتر و عمیقتر، متن کامل پژوهش‌ها مورد بررسی قرارگرفت، پس از اتمام مرحله غربالگری، ۸۲ نسخه برای ورود به مرحله بعد باقی ماند.

٤-مرحله چهارم(کدگذاری و نقشه برداری): هرچند معیارهای ورود و غربالگری را می توان شکلی از سنجش پژوهش‌ها دانست، اما سنجش واقعی بعداز مرحله کدگذاری و نقشه‌برداری اتفاق می افتد چراکه تنها بعداز این مرحله است که اطالعات کافی برای مرحله ارزیابی پژوهش‌ها موجود است(گاف، ۲۰۱۲ .)در این مرحله پژوهش‌های غربال شده بر اساس ویژگیهای آنها همچون طرح و روش، سواالت و متغیرهای وابسته، نوع مداخله، جامعه و نمونه، روشهای گردآوری و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها، بررسی و تشریح شدند. از اطلاعات گردآوری شده در این مرحله برای ارزیابی اسناد و مطالعات بر اساس معیارهای کیفیت و ارتباط استفاده شد. همچنین از اطلاعات به دست آمده در این مرحله، جهت طبقه بندی و شناسایی زیرمقوله‌ها (مرحله ششم) استفاده شد.

۵-مرحله پنجم(ارزیابی): در این مرحله پژوهش‌ها بر اساس دو معیار کلی کیفیت و مرتبط بودن (متناسب با هدف بودن) (گاف، ۲۰۱۲)مورد تحلیل و واکاوی انتقادی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

قرارگرفتند. بدین معنا که پژوهش‌ها از طریق سواالتی چون آیا تمرکز پژوهش با هدف سنتزپژوهی حاضر سازگار است؟ آیا با توجه به ویژگی های پژوهش می‌توان آن را متناسب با سوال سنتزپژوهی حاضر دانست؟ آیا روشی که در پژوهش برای پاسخ به سوال‌ها انتخاب شده بود، مناسب است؟آیا پژوهش به خوبی اجرا شد؟ آیا داده‌ها به خوبی تحلیل یا تفسیر شده است؟ مورد داوری قرارگرفت و در نهایت معتبرترین و مرتبطترین آنها، انتخاب شدند. در پایان این مرحله ۵۰ نسخه پژوهشی برای سنتز انتخاب شد.

٦-مرحله ششم(سنتز): سنتز تجمیعی و سنتز ترکیبی دو رویکرد اصلی در سنتزپژوهی است. سنتزپژوهی تجمیعی به دنبال جمع کردن یافته‌های پژوهشهای دست اول برای آزمون نظریه‌ها یا فرضیه هاست. این نوع سنتز که عموما مطالعات همگن دارند، به دنبال ترکیب کردن شکل قیاسی است. در مقابل سنتز پژوهی ترکیبی که رویکرد مطالعه حاضر است فرایندی تفسیری است که مستلزم بررسی الگوها در داده‌ها یا تفسیر مفاهیم جهت تولید سطح بالاتری از تبیین‌ها هست. این رویکرد را می توان به موزاییکی تشبیه کرد که در آن یافته های مطالعات برای ایجاد یک کل منسجم در یکدیگر جای می-گیرند. هدف خلق الگویی جدید و متفاوت است. چنانچه روشن است، سنتزپژوهی ترکیبی یک فرایند استقرایی است. در این مرحله محقق به تجمیع بخش یافته‌های اسناد منتخب، بازخوانی های مکرر و دقیق، مقایسه یافته‌های مشابه متناقض و دسته بندی داده‌ها پرداخت. برای بررسی دقیقتر دسته‌بندهای انجام شده از نرم‌افزار مکس کیودا[1] ورژن ۲۰۲۰ استفاده شد.

[1] Pause Kiuda

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از سنتز یافته‌های پژوهش‌های پیشین و جمع‌بندی آنها الگوی برنامه‌درسی فلسفه برای کودک بر اساس الگوی کلاین تنظیم شد.این الگو شامل عناصر نه گانه هدف،محتوا، فعالیت های یادگیری، روش‌های یادگیری، گروه‌بندی، زمان، فضا، مواد و منابع و ارزشیابی بود که در ادامه به هریک از این عناصر پرداخته شده است.

۱-مفاهیم اولیه استخرج شده در حیطه عناصر نه گانه کلاین

جدول شماره ۱ مفاهیم استخراج شده در حوزه اهداف

درونی شدن رفتارهای اخلاقی، پرورش مهارتهای تفکر منطقی، پرورش مهارت پردازش اطلاعات، کشف و تحلیل مفاهیم، ارزیابی استدلال، بهبود توانایی تعقل در فرد، پرورش خلاقیت، پرورش رشد فردی و میان فردی، پرورش درک اخلاقی، هدف پرورش مهارت خواندن برای فهمیدن، پرورش مهارتهای استدلال قیاسی، آموزش ارزشهای اخلاقی جامعه، پرورش مهارت همکاری،پرورش مهارت تجزیه و تحلیل، فراهم کردن عدالت آموزشی از طریق گفتگو است، درونی سازی ارزشها نگرشها و شایستگی های فرد، پرورش مهارت بیان افکار خود،شکوفایی استعدادهای ذاتی فرد،تربیت مسئولیت پذیری کودکان در یادگیری، بهبود فرایند یادگیری، پرورش مهارت خودتنظیمی و خود کنترلی است، پرورش مهارت خود تعیین گری در کودکان است، توسعه پایدار فرد،آگاهی از احساسات خود و دیگران، پرورش قدرت تخیل،مشارکت در فعالیت های اجتماعی،پروش توانایی های فردی، پرورش مهارتهای اجتماعی است. هدف ایجاد ارتباط بین معانی مفاهیم، پرورش مهارت تفسیر کردن در کودکان، پرورش مهارت تعمیم دهی،پرورش مهارت برقراری ارتباط با همسالان است،حل تناقضات میان دانش آموز و معلم از طریق گفتگو، توسعه و ارتقا تجربه تفکر در دانش آموزان، فراهم کردن زمینه برای تجربه تفکر است، پرورش ارزش های انسانی در فرد، فراهم کردن فرصت برای گفتگو که منجر به پرورش قضاوت شود،پرورش مهارتهای استدلال

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

منطقی، ایجاد آگاهی نسبت به ارزشهای جامعه، آموزش روابط اجتماعی به کودکان است. توسعه مهارتهای ارتباطی است، برقراری تعامل بین کودکان و بزرگسالان، کمک به کودکان در دستیابی به درک بهتر زمان، تربیتو پرورش کودکانی که منطقی فکر کنند، پرورش مهارت آگاهانه انتخاب کردن است، پرورش مهارت تفکر پیچیده یا همبافته در کودکان است، مهارت خوب گوش دادن، پرورش مهارت همدلی با دیگران، پرورش مهارتهای تفکر مراقبانه یا مسئولانه است، آموزش فراگیران برای مشارکت در تصمیم گیری های مدنی است. بهبود تفکر اخلاقی، تربیت و پرورش فراگیران به عنوان یک شهروند، پرورش تفکر مستقل در کودکان است یا تفکر خودمختار، آموزش دادن به کودکان برای بیان افکار و ایده های آنها، پرورش مهارتهای مشارکت در فراگیران، پرورش شایستگی های اجتماعی، پرورش شایستگی های اخلاقی و ارزشی، فلسفه احترام به خود و دیگران، درک انتقادی از ساختارها و فرایندهای اجتماعی، مهارت درک دیگران، پرورش مهارتهای انتقادی در فراگیران است، فلسفه ارتقا آگاهی انتقادی در دانش آموزان، پرورش مهارت قضاوت اخلاقی، مشارکت دانش آموزان در ساخت معنا، رورش مهارتهای فراشناختی، پرورش مهارت ارزیابی است، کمک به فراگیران برای دستیابی به تاب اوری فردی است، عامل ساختاری در ذهن، بهبود کفتگوی درون فردی، برقراری ارتباط و تعامل موثر بین معلم و دانش آموزان است.آموزش تودین سوالات باز پاسخ به کودکان است، آموزش استفاده از تجربیات کسب شده زندگی، تشویق دانش اموزان به مشارکت در فعالیتهای کلاسی، تغییر الگوی معرفت شناختی، ایجاد همبستگی در جامعه است. درک و برقراری ارتباط بهتر بادیگران، افزایش آگاهی، پرورش مهارت درک مطلب، تربیت سیاسی، کسب تجربه، کمک به کودکان برای دستیابی به معنای زندگی، دستیابی کودک به تفکر مراقبانه است. دستیابی کودک به آگاهی اخلاقی است. پرورش تفکر استقرایی در کودکان است. پرورش تفکر قیاسی است. اصلاح عادات فکری در کودکان است. آموزش رفتارهای اجتماعی که مبنای ارزشها هستند. پرورش مهارتهای اجتماعی، پرورش مهارتهای عاطفی، پرورش

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

مهارتهای تفکر عالی است، پرورش مهارت گفتگوی انتقادی در کودکان است،پرورش مهارت گفتگو، بهبود درک مفاهیم مورد بحث، پرورش مهارت کاوش منطقی، پرورش مهارت تفکر جمعی، پرورش مهارت تفکر فردی، فراهم کردن فرصت برای درک مسائل فردی، اخلاقی و اجتماعی، آموزش درست اندیشیدن است. برای کودکان پرورش مهارت جستجو گری است. پرورش مهارت و روحیه پرسشگری در کودکان است،آموزش اندیشیدن و چگونگی اندیشیدن است، پرورش مهارت ساده سازی مفاهیم است. پرورش مهارت مفهوم سازی، پرورش مهارت تجزیه وتحلیل، توسعه تفکر خلاق است، یادگیری شیوه ها و روش های تفکر است. پرورش عزت نفس، پرورش مهارت حل مساله، پرورش مهارت قضاوت، زمینه سازی برای تفکر، برای کودکان پرورش توانایی عینیت زدایی، تغییر درنگرش افراد با هدف خودسازی، برای کودکان تربیت اخلاقی است. برای کودکان تربیت افرادی مسئولیت پذیر، ایجاد توانایی در فرد برای بازنگری مداوم افکار، پرورش مهارت خوداندیشی در کودکان، پرورش خودمختاری در کودکان، کمک به کودکان برای دستیابی به رشد شخصی فرد، پرورش مهارتهای نگرشی، پرورش مهارتهای عملکردی، پرورش مهارتهای شناختی،برای کودکان پرورش مهارت و توانایی پیش بینی، پرورش مهارت تفکر تحلیلی،ایجاد توانایی تفکیک بین استدلال های ضعیف و قوی،برای کودکان پرورش توانایی وقدرت انتخاب گری است. پرورش مهارت یک پارچه سازی معانی، پرورش مهارت ساده سازی مفاهیم، پرورش مهارتهای استدلال، پرورش مهارتهای منطقی، پرورش مهارتهای تفکر، بهبود کیفیت زندگی، کودکان حل عاقلانه و صلح امیز مسائل است. کودکان پرورش مهارت تصمیم گیری در کودکان است. یادگیری و تسلط بر اندیشیدن است. کودکان سازماندهی تفکر است. آموزش تفکر انتقادی است. کودکان بهبود ظرفیت تفکرآنها است. هدف فلسفه برای کودکان دستیابی کودکان به تعالی است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

جدول شماره ۲ مفاهیم استخراج شده در حوزه محتوا

موضوعات اخلاقی، کتاب داستان، محتوای آموزشی مفهوم انصاف، داستانهای فکری، داستانهای فلسفی، مفهوم دوستی، روانشناسی، ادبیات، آموزش مفهوم زیبایی، آموزش مفهوم واقعیت، مفهوم حقیقت با کمک فلسفه صورت می گیرد، مفهوم زمان با کمک فلسفه به کودکان انجام می شود، آموزش مفهوم زیبایی، آموزش مفهوم واقعیت، مفهوم حقیقت با کمک فلسفه صورت می گیرد، مفهوم زمان با کمک فلسفه به کودکان انجام می شود. آموزش مفهوم شفقت، آموزش مفهوم خوشبختی، آموزش مفهوم آزادی، آموزش مفهوم فراموش کردن، آموزش مفهوم بدی، آموزش مفهوم خوبی. استفاده از موسیقی، بازی های کودکانه، استفاده از داستانهایی که دارای مفاهیم اخلاقی باشد.داستانهای باید مهارت قضاوت اخلاقی را در دانش‌آموزان پرورش دهند.

جدول شماره ۳ مفاهیم استخراج شده منابع آموزشی

استفاده از تصاویر و اشیا متحرک، استفاده از شعر، تصاویر، داستان های کوتاه، استفاده از گزارش های روزنامه ها

جدول شماره ٤ مفاهیم استخراج شده اصول فلسفه برای کودک

کودک محوری، تجربه گرایی، توجه به آزادی‌های فردی کودکان، توجه بر جنبه های ارتباطی و گفتگو در جریان آموزش فلسفه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

جدول شماره ۵مفاهیم استخراج شده فعالیتهای یادگیری

فعالیتهای یادگیری باید مبتنی بر پرورش مهارت استدلال باشد، استفاده از تکالیف کتبی،یادگیری در گروه‌های کوچک، ارائه پرسش برای بحث و گفتگو، یادگیری واقعی همراه با تامل و گفتگو، خود ازمایی، در گروه های یادگیری سوال طرح، تمرین استدلال، تدوین و طرح سوال توسط کودکان، گفتگوی دسته جمعی

جدول شماره ٦پیش‌نیازهای آموزش فلسفه به کودکان

آگاهی خانواده ها، معلم شایسته

جدول شماره ۷ پیامدهای آموزش فلسفه برای کودکان

کنترل رفتار کلامی، کنترل رفتار اجتماعی، گفتگو محوری، پرورش مهارت استدلال و ارزیابی

جدول شماره ۸ مراحل آموزش فلسفه به کودکان

۱-بررسی نفاط مشترک و تشابهات ۲- بررسی دیدگاه های متفاوت و ۳- بررسی دیدگاه های خلاقانه

جدول شماره ۹ مفاهیم استخراج شده روش آموزش

نقش‌آفرینی یا ایفای نقش، پرسشگری، مشارکت معلم و دانش آموزان در گفتگوی فلسفی، پرسش و پاسخ،بحث و گفتگو،مکالمه، تحقیق بصورت گروهی، گفتگوی همراه با تامل، گفتگومحوری، خواندن داستان به صورت گروهی و به صورت فردی، بحث گروهی و کلاسی، داستان گویی، بحث گروهی و کلاسی،طرح پرسش از سوی دانش-آموزان، یادگیری مشارکتی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

جدول شماره ۱۰ویژگی‌های اجتماع پژوهی

خلاقیت داشتن، قابلیت استنباط داشتن از روابط متقابل،خطاپذیر بودن موضوع، استفاده از مهارت استدلال، فراگیر بودن و گشودگی، توجه به کرامت انسانی، احترام گذاشتن به دیگران، مبتنی بر احساس ترحم، ارتباط نظرات فردی و اقلیتها، توجه به روابط معنادار،توجه به علایق و عقاید مشترک،وابستگی متقابل، تعامل و مشارکت

۲-مفاهیم طبقه بندی شده در حیطه عناصر نه گانه کلاین

هدف اولین عنصر از الگوی کلاین است. هدف‌های آموزشی معیارهایی هستند برای انتخاب دروس، محتوای آن‌ها، تنظیم روش های آموزش، تهیه آزمون و وسایل ارزشیابی در حقیقت کلیه قسمت‌های مختلف برنامهٔ درسی وسایل رسیدن به اهداف برنامهٔ درسی هستند. از این‌رو برای مطالعه برنامه‌های درسی به طور منظم و آگاهانه، ابتدا باید اطمینان حاصل شود که اهداف آموزشی تعیین و مشخص شده است. هدف-های آموزشی غایات و نتایج حاصل از آموزش هستند. که مدارس یا سازمان‌های آموزشی به منظور دستیابی به آن‌ها آموزش را ارائه می‌کنند. نتایج نهایی همان توانایی-های یادگیرندگان اعم از دانسته‌ها، مهارت‌های عملی و گرایش‌های مختلف ناشی از آموزش است.

جدول شماره ۱۱ مؤلفه اهداف

کد	اسناد	فراوانی	درصد
پرورش و رشد مهارتهای اجتماعی	۱۸	۳۱	٦/۳۱
رشد فردی و میان فردی	٦	۱۱	۲/۲٤
تربیت سیاسی	۲	۲	۰/٤۱
مهارتهای شناختی	۲٦	۷۷	۱۵/٦۸

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

کد	اسناد	فراوانی	درصد
مهارتهای عملکردی	۱۵	۲٤	٤/۸۹
مهارتهای نگرشی	۲۱	٤۱	۸/۳۵
مهارتهای فردی	۲۹	۱۲۲	۲٤/۸۵
مهارتهای تفکر	۳۷	۱٦۵	۳۳/٦۰
پرورش مهارتهای ارتباطی	۱۳	۱۸	۳/٦۷

محتوا: منظور از محتوا تعیین آن چیزی است که دانش‌آموزان باید در اثر شرکت‌شان در یک درس، واحد مطالعاتی یا یک سال تحصیلی در کلاس درس به شناخت، درک و به‌کارگیری آن دست یابند. محتوا از منابع متفاوتی نشأت می‌گیرد. ممکن است محتوا در سندهای برنامهٔ درسی منطقه یا استان و به شکل استانداردهای یادگیری، اهداف، ارزشیابی پایه (Benchmark assessmentsd) انتظارات مربوط به سطح کلاس درس یا نتایج یادگیرنده فهرست‌بندی شود.

بر اساس منابع بررسی شده محتوای آموزشی مناسب برای آموزش فلسفه به کودکان عبارتند از: موضوعات اخلاقی، مفهوم انصاف، مفهوم دوستی، مفهوم زیبایی، مفهوم واقعیت و غیره ....

جدول شماره ۱۲مؤلفه محتوا

کد	اسناد	فراوانی	درصد
محتوا	۲۲	۸۰	۱۰۰

پس از تعیین اهداف، محتوا حال نوبت به مشخص کردن آموزش فلسفه به کودکان می‌رسیم. از آنجایی که طراحی این الگوی برنامه‌درسی بر اساس عناصر نه‌گانه کلاین می‌باشد. در عناصر نه گانه کلاین مراحل آموزش مطرح نشده است. پژوهشگر این مرحله را با هدف روشن‌تر و اضح‌تر شدن الگو مطرح می‌کند. آنچه که از برایند بررسی نظرات افراد مختلف بدست آمده عبارت است از این که در زمان آموزش فلسفه به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

کودکان مربی با همراهی دانش آموزان و فراگیران ابتدا بررسی نقاط مشترک و تشابهات مودجود بپردازند. سپس نقاطی را که مورد اختلاف می‌باشد، بررسی کنند و در نهایت با کمک بررسی خلاقانه دیگاه‌ها به یک نقطه اشتراک جامعی دست یابند.

جدول شماره ۱۳**مؤلفه روشهای آموزش**

کد		اسناد	فراوانی	درصد
روش های آموزش	روش های آموزش	۳	٤٥	۷٦/۲۷
	اجتماع پژوهی	۲٤	۱٤	۲۳/۷۳

روش‌ها و فعالیت های یادگیری :یکی از موضوعاتی که در هنگام طراحی الگو برنامه درسی کمتر به آن توجه می‌گردد، موضوع روش یادگیری دانش‌آموزان می‌باشد. هر یک از فراگیران دارای ویژگی‌ها و خصوصیات اخلاقی و روحی خاصی می‌باشند. بنابراین دانش‌آموزان با توجه به روحیات و علایق خود روشهایی را برای یادگیری انتخاب می کنند. همچنین یکی دیگر از عناصر برنامه درسی کلاین، فعالیتهای یادگیری می‌باشد. فعالیت‌های یادگیری عبارت است از مجموعه فرصت‌هایی که برای تحکیم و تعمیق آموخته‌های یادگیرنده در برنامهٔ درسی ارائه می‌شود. فعالیت‌های یادگیری، روش‌ها و شیوه‌هایی هستند که شاگردان در حین یادگیری به کار می‌گیرند تا به هدف مورد نظر دست یابند(حاجی‌تبارفیروزجائی،۱۳۹۲).

فضا یا مکان: یکی دیگر از عناصر برنامه درسی که در الگوی کلاین مطرح میگردد، فضا یا مکان است. که به معنای طراحی و استفاده از ابعاد فیزیکی مدرسه و کلاس درس است. هدف‌های یادگیری و روش یادگیری، تعیین می‌کنند که آموزش باید در کجا صورت گیرد. تشخیص و استفاده از فضای آموزشی تأثیر چشم‌گیری بر اجرای برنامهٔ درسی دارد. به گونه‌ای که فضای ناکافی و بدون انعطاف مانع موفقیت برنامهٔ درسی می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

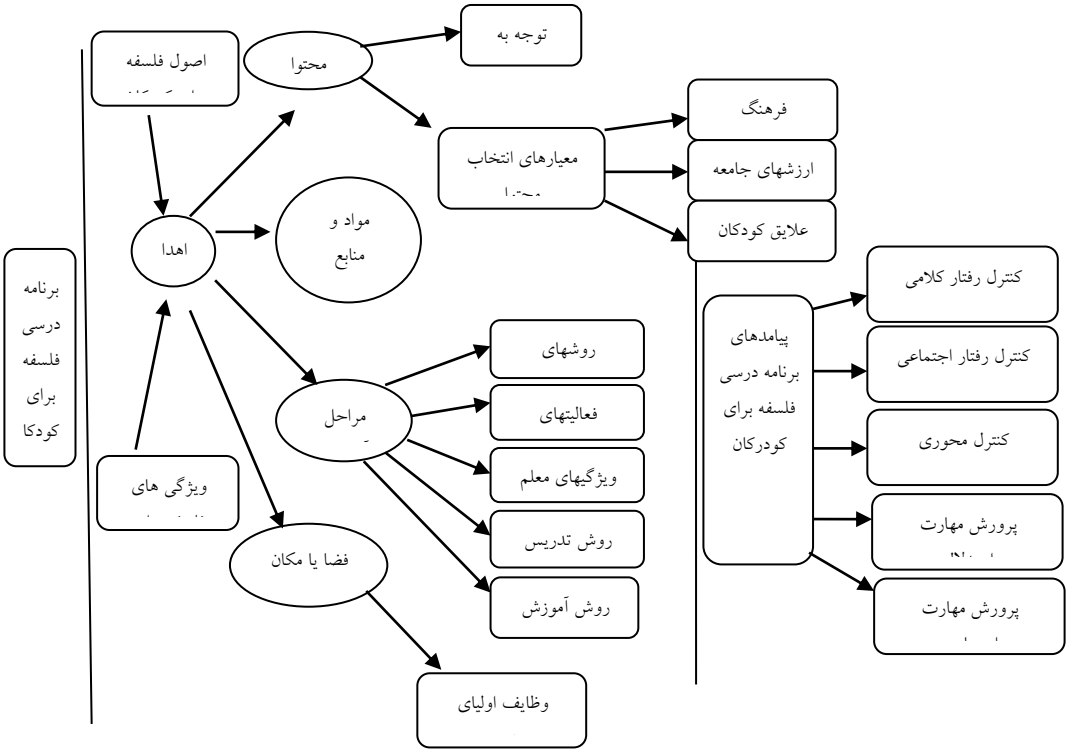

الگوی برنامه درسی فلسفه برای کودکان

برنامه‌ریزان درسی قبل از این‌که به شیوه‌های اجرایی و عملی بپردازند باید" عناصر" برنامه درسی تصمیم‌گیری کنند. با توجه به نوع نگرشی که تهیه برنامه درسی را حمایت می‌کند، عناصر برنامه درسی و جهت‌گیری آن‌ها را متفاوت می‌سازد. ازآنجایی‌که در بررسی مقالات حوزه آموزش فلسفه برای کودکان رویکرد این آموزش، دانش‌آموز محوری است. در طراحی الگو برنامه درسی به موضوعات نظیر ویژگی‌های آموزش فلسفه برای کودکان و اصول برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان مطرح گردیده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

اصول برنامه درسی فلسفه برای کودکان که از بررسی متون علمی استخراج گردید عبارت‌اند از: کودک محوری، تجربه‌گرایی، توجه به آزادی‌های فردی کودکان، توجه به جنبه‌های ارتباطی و گفتگو در جریان آموزش فلسفه می باشد. بر اساس اصول و ویژگی‌های فلسفه برای کودکان اهداف مشخص گردید. این اهداف عبارت‌اند از: پرورش و رشد مهارت‌های اجتماعی، پرورش و رشد مهارت‌های فردی و میان فردی، تربیت سیاسی، اهداف حوزه شناختی، مهارتی و نگرشی، مهارت‌های تفکر و پرورش و رشد مهارت‌های ارتباطی.

پس از تعیین اهداف، محتوا باید تدوین و مشخص گردد. در این پژوهش در تدوین و انتخاب محتوا پژوهشگر به این نتیجه رسید که باید به سن و معیارهایی نظیر فرهنگ، ارزش‌های جامعه و علایق کودکان موردتوجه قرارگرفته شود و با کمک فلسفه آموزش موضوعات اخلاقی، کتاب داستان، محتوای آموزشی مفهوم انصاف، داستان‌های فکری، داستان‌های فلسفی، مفهوم دوستی، روانشناسی، ادبیات، آموزش مفهوم زیبایی، آموزش مفهوم واقعیت، مفهوم حقیقت مفهوم زمان به کودکان انجام می‌شود.

سپس به انتخاب و تدوین مواد و منابع آموزشی پرداخته شد. یافته‌های پژوهش بر اساس تحلیل متون ازجمله منابع و مواد آموزشی که به کمک آن فلسفه را به دانش‌آموزان و کودکان می‌توان آموزش داد، عبارت‌اند از: کتاب‌های داستان فلسفی، تصاویر، اشیا متحرک، استفاده از شعر، داستان‌های کوتاه، استفاده از گزارش‌های روزنامه‌ها

در مرحله بعدی، مراحل آموزش مشخص گردید. این مرحله به دو گروه فرعی روش‌های یادگیری و ویژگی‌های معلم طبقه‌بندی گردید. ویژگی‌های معلم به سه بخش فرعی فعالیت‌های یادگیری، روش‌های تدریس و روش‌های آموزش تقسیم شد.

در رابطه با ویژگی‌های معلم می‌توان به نقش معلم در یادگیری اشاره کرد که بر انتخاب روش تدریس و فعالیت‌های یادگیری و روش آموزش تأثیرگذار است. اگر معلم نقش خود را در فرایند آموزش فلسفه به کودکان به‌عنوان تسهیل‌کننده و هدایت‌کننده فرایند

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

یادگیری در نظر بگیرد، معلم برای آموزش از روش‌های آموزش فعال و دانش‌آموز محور می‌تواند استفاده نماید. که در این پژوهش به موضوع اشاره‌شده است.

یکی از عناصر اصلی برنامه درسی که در تمامی الگوهای برنامه درسی موردتوجه قرارگرفته است، عنصر روش‌های ارزشیابی است. مطابق با بررسی متون علمی و آنچه از متن آن‌ها استخراج گردید. ارزشیابی در برنامه درسی فلسفه برای کودکان به دو صورت توصیفی(کیفی) و تکوینی انجام می‌شود. ازجمله روش‌های ارزشیابی عبارت‌اند از: ثبت گزارش، مشاهده معلم، فرایند محور، خودارزیابی و مشورت با والدین.

یکی دیگر از عناصری که یادگیری تحت تأثیر آن قرارمی‌گیرد فضا یا مکان یادگیری می باشد. فضا فرایند تدریس و یادگیری را تحت تأثری خود قرار می‌دهد. در جریان آموزش فلسفه به کودکان علاوه بر این‌که مکان و فضا تأثیرگذار است باید به وظایف اولیا و مربیان در یادگیری موردتوجه قرار گیرد. آگاهی اولیا و مربیان نسبت به اهمیت و ضرورت آموزش و یادگیری اندیشیدن به منجر به این می‌شود که اولیا و مربیان فضای یادگیری مطلوبی را برای کودکان فراهم نمایند.

درنهایت به پیامدهای برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان پرداخته می‌شود. اگر برنامه درسی طراحی‌شده به‌درستی اجرا شود. برنامه پیامدهایی نظیر: کنترل رفتار کلامی، کنترل رفتار اجتماعی، گفتگو محوری، پرورش مهارت استدلال و پرورش مهارت ارزیابی می باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این نوشتار ارائه الگوی برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان دوره پیش-دبستانی بود. در برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان محوری‌ترین مبحث اهداف می‌باشد. اهداف شناسایی‌شده در این برنامه درسی عبارت‌اند از: پرورش و رشد مهارت‌های اجتماعی، رشد فردی و میان فردی، تربیت سیاسی، مهارت‌های شناختی، مهارت‌های عملکردی، مهارت‌های نگرشی، مهارت‌های فردی، مهارت‌های تفکر و پرورش مهارت‌های ارتباطی.یافته‌های پژوهش در مورد عنصر محتوا عبارت است از: موضوعات اخلاقی، کتاب داستان، محتوای آموزشی مفهوم انصاف، داستان‌های فکری،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

داستان‌های فلسفی، مفهوم دوستی، روانشناسی، ادبیات، آموزش مفهوم زیبایی، آموزش مفهوم واقعیت، مفهوم حقیقت با کمک فلسفه صورت می‌گیرد، مفهوم زمان با کمک فلسفه به کودکان انجام می‌شود، آموزش مفهوم زیبایی، آموزش مفهوم واقعیت، مفهوم حقیقت با کمک فلسفه صورت می‌گیرد، مفهوم زمان با کمک فلسفه به کودکان انجام می‌شود. معیارهای انتخاب محتوا شامل: توجه به فرهنگ، توجه به ارزش‌های جامعه، رشد شناختی کودکان، علایق استعدادهای کودکان. محتوای آموزش ویژه معلمان: کتاب‌های راهنمای معلمان. بر اساس یافته‌های پژوهش توصیه می‌شود معلمان از تصاویر و اشیا متحرک، استفاده از شعر، تصاویر، داستان‌های کوتاه، استفاده از گزارش‌های روزنامه‌ها در آموزش کودکان استفاده کنند. مواد و منابع آموزشی عنصری از برنامهٔ درسی تلقی می‌گردد که شامل موضوعات، محیط‌ها و افرادی هستند که برای تسهیل فرایند یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرند. و به‌منظور قادر ساختن و کمک به یادگیرنده برای یادگیری و ارتباط با دیگر اجزاء تولید می‌گردد. منابع انسانی، کتاب‌های درسی، مجلات علمی، کامپیوترها و انواع دیگر تکنولوژی دیداری و شنیداری، بازی‌ها، وسایل آموزشی و ابزار ثابت آموزشی مانند گچ و تخته، ازجمله مواد و منابع آموزشی در برنامه‌های درسی هستند. اصولاً برنامه‌ریزان درسی و معلمان به‌اندازه کافی با کاربرد مواد آموزشی سنتی مانند: کتاب‌های درسی، منابع و مأخذ، روزنامه‌ها، بروشورها و کتاب‌های کار و تمرین آشنا هستند. بااین‌حال آگاهی معلمان درباره برخی منابع آموزشی جدید مانند: کتابچه‌های دیجیتالی، پایگاه داده‌ها، گروه‌های مجازی بسیار محدود است. کتاب‌های داستان، شعر و تصاویر می باشد. این یافته پژوهش با یافته پژوهش‌های تریکی و تاپینگ(۲۰۰۷)، قائدی(۱۳۸۸)، کاتن(۲۰۰۲) همخوانی دارد.

مراحل آموزش فلسفه برای کودکان

این بخش شامل مؤلفه‌ها فرعی ذیل می‌باشد: یکی از موضوعاتی که در هنگام طراحی الگو برنامه درسی کمتر به آن توجه می‌گردد، موضوع روش یادگیری دانش‌آموزان می‌باشد. هر یک از فراگیران دارای ویژگی‌ها و خصوصیات اخلاقی و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

روحی خاصی می‌باشند. بنابراین دانش‌آموزان با توجه به روحیات و علایق خود روش‌هایی را برای یادگیری انتخاب می‌کنند. این روش‌ها عبارت‌اند از: دانش توسط دانش‌آموز ساخته شود، از روش یادگیری اکتشافی، و آزمایشی و تجربی استفاده شود. این یافته پژوهش با نتایج پژوهش قائدی(۱۳۸۸)، صفایی مقدم(۱۳۷۷)، بارو(۲۰۱۰)، مک‌گنس[1](۲۰۰۵)، هدایتی، قائدی، شفیع آبادی و یونسی(۱۳۸۸) همسویی دارد. فعالیت‌های یادگیری باید مبتنی بر پرورش مهارت استدلال، استفاده از تکالیف کتبی، یادگیری در گروه‌های کوچک، ارائه پرسش برای بحث و گفتگو، یادگیری واقعی همراه با تأمل و گفتگو، خودآزمایی، در گروه‌های یادگیری سؤال طرح، تمرین استدلال، تدوین و طرح سؤال توسط کودکان، گفتگوی دسته‌جمعی باشد. فعالیت‌های یادگیری، روش‌ها و شیوه‌هایی هستند که شاگردان در حین یادگیری به کار می‌گیرند تا به هدف موردنظر دست یابند. یادگیرندگان بدون فعالیت‌های یادگیری محتوای درس را یاد نخواهند گرفت، کما این‌که مدرسین بدون یادگیری در امر آموزش و تدریس قادر به انجام‌وظیفه آموزش نخواهند بود. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت در موقعیت آموزشی این دو عنصر(محتوا و فعالیت‌ها) وحدت دارند. طراح آموزشی موظف است فعالیت‌های لازم یادگیری محتوای آموزش را برای شاگردان پیش‌بینی کند و آن را به‌عنوان بخشی از آموزش و در جای مخصوص خود در آموزش بگنجاند. فعالیت‌های یادگیری به این منظور به کار گرفته می‌شوند که ایجاد یادگیری به سمت جهت‌گیری‌های لحاظ شده در برنامه معطوف نماید. در یک برنامه آموزشی باید فعالیت‌های متنوعی برای یادگیرندگان تدارک دیده شود. خواندن محتوای متنی، گوش دادن به محتوای شنیداری یا ویدئویی، انجام تحقیق، ایفای نقش مطالعه موردی، تمرین، فنون پرسشگری، شبیه‌سازی، وبلاگ نویسی، ویرایش و نگارش مقاله، انجام پروژه، نمونه‌هایی از فعالیت‌های یادگیری هستند. باید فعالیت‌های یادگیری متنوعی در یادگیری گنجانده شود تا با سبک‌های گوناگون یادگیری سازگار و منطبق باشد و یادگیرندگان بتوانند راهبرد مناسب را برای

[1] McGuinness

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

تحقق نیازهایشان انتخاب کنند. به‌منظور مشخص شدن روش‌های یادگیری محتوای متون علمی موردبررسی قرار گرفت. در این منابع به روش‌های یادگیری ازجمله: فعالیت‌های یادگیری باید مبتنی بر پرورش مهارت استدلال باشد، استفاده از تکالیف کتبی، یادگیری در گروه‌های کوچک و غیره. این نتیجه با یافته پژوهش‌های متیوز[1](۲۰۰۳)، گلدینگ[2](۲۰۱۱)، کاستلو[3](۲۰۱٤)، سیمپسون[4](۲۰۰۲)، کاستلو ومورهاوس[5](۲۰۱۳) همسویی و هماهنگی دارد. مؤلفه روش‌های آموزش در برنامه درسی کلاین تحت عنوان روش‌های تدریس یاد می‌شود. این عنصر به نقش معلم و راهبردها و تدابیری که باهدف بهبود فرایند یادگیری بر عهده می‌گیرد، اشاره دارد. معلم به عنوان یک منبع یاددهی، می‌تواند نقش‌های متنوعی ایفا کند. سؤال از دانش‌آموزان، ارائه اطلاعات، تقویت جواب‌های دانش‌آموزان و جهت‌دهی به فعالیت‌های آنان در فرایند یادگیری ازجمله نقش‌های متنوع معلم در فرایندهای یاددهی است(حاجی- تبارفیروزجائی،۱۳۹۲) . از میان عناصر برنامهٔ درسی تدریس یکی از عناصر کلیدی و تعیین‌کننده تلقی می‌شود و اگر برنامه‌ریزی درسی را در سه مرحله: برنامه‌های قصد شده، اجراشده و کسب‌شده در نظر بگیریم فرایند یاددهی- یادگیری و نقش معلم و نحوهٔ تدریس او را در فرایند اجرا و چگونگی کسب آن از سوی یادگیرندگان به‌عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار مطرح است. شیوه‌های متنوع یاددهی- یادگیری وجود دارد که هرکدام برای شرایط و درس خاصی مناسب است. لذا معلم باید با توجه به نیازهای آموزشی، موضوع درس، خصوصیات یادگیرندگان، محتوای آموزشی، وسایل و رسانه- های آموزشی، امکانات موجود، جو حاکم بر کلاس درس، تعداد یادگیرندگان، زمان در اختیار کلاس، شخصیت معلم، قوانین و مقررات سیستم آموزشی و به‌طورکلی جامعه‌ای

[1] Matthews
[2] Golding
[3] Castello
[4] Simpson
[5] Morehouse

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

که معلم و شاگرد در آن زندگی می‌کنند و ده‌ها مسئله دیگر مناسب‌ترین راهبرد تدریس را انتخاب نماید. البته لازم به ذکر است که انتخاب یک الگوی تدریس بستگی به نوع آگاهی معلم از فلسفه و نگرش‌های تعلیم و تربیت خواهد داشت. روش آموزش بر اساس یافته‌های پژوهش شامل : نقش‌آفرینی یا ایفای نقش، پرسشگری، مشارکت معلم و دانش‌آموزان در گفتگوی فلسفی، پرسش و پاسخ، بحث و گفتگو، مکالمه، تحقیق به‌صورت گروهی، گفتگوی همراه با تأمل، گفت‌وگومحوری، خواندن داستان به‌صورت گروهی و به‌صورت فردی، بحث گروهی و کلاسی، داستان‌گویی، بحث گروهی و کلاسی، طرح پرسش از سوی دانش‌آموزان، یادگیری مشارکتی می باشد.

ویژگی‌های معلم: یافته‌های پژوهش در مورد نقش معلم شامل موارد ذیل می باشد: فراهم آوردن مواد یادگیری، جهت‌دهی به اکتشافات کودکان، هدایت فعالیت‌های کودکان، پیش‌بینی پذیری، احترام مقابل، داشتن نقش الگویی، تهییج فردیت، اعتمادپذیری، داشتن حالت حمایت گرایانه فراهم کردن زمینه برای مشارکت دانش‌آموزان، پذیرش تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، ارائه تکلیف متناسب، نشان دادن احترام به هر دانش‌آموزش، تنظیم قوانین اساسی در کلاس، کمک به دانش‌آموزان در ساخت دانش، ناظر بر رویه‌هاست تا بر محتوا، هدایت‌کننده جریان بحث و گفتگو در کلاس. بر اساس یافته‌های این پژوهش، پژوهشگر نقش معلم را اینگونه تعریف می‌کند، معلم بتواند کودکی اندیشمند، خلاق، متفکر تربیت‌کرده و حس کنجکاوی کودک را در او زنده نگه دارد و او را یک پرسشگر تربیت کند و کودک بتواند گفتگو گر کارآمد باشد. مسائل کودک را به موقعیت‌های چالش‌برانگیز تبدیل کند و الگوهایی برای مهارت‌های فکری و اخلاقی کودک ایجاد کند. سبک فرزند پروری را برای رشد تفکر در کودکان طراحی کرده و بتواند با بازی و قصه‌گویی به رشد تفکر و خلاقیت کودک کمک کند. توجه به نوع نگرش نسبت به نقش معلم در برنامه فلسفه برای کودکان ضرورت دارد زیرا نقش معلم در این برنامه به‌عنوان فردی که تنها به القاء مفاهیم می‌پردازد، نمی‌باشد بلکه در این برنامه معلم در کنار دانش‌آموز قرارگرفته و راهنمایی در جهت پرورش تفکر خود و دانش‌آموز می‌باشد لیپمن به حذف فاصله بین دانش‌آموز

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

و معلم تأکید داشت. معلم یا مربی در این برنامه نقش محرک و سکویی برای رشد تفکر کودکان را دارد. در برنامه درسی فلسفه برای کودکان تنها دانش‌آموزان موردتوجه قرار نمی‌گیرند بلکه معلمان و مربیان و نیز نحوه آموزش این مربیان و معلمان موردتوجه است تا توانایی هدایت‌کننده مباحث فلسفی را در کلاس کسب کنند. به‌گونه‌ای که معلمان فرامی‌گیرند که کودکان نیز حق تفکر و تأمل دارند. ازجمله ویژگی‌های رفتاری و نقش معلم عبارت‌اند از: گوش دادن صبورانه، احترام گذاشتن به دانش‌آموز و توجه به تفاوت‌های فردی و اجازه دادن به دانش‌آموزان برای شرکت در فعالیت‌های کلاسی، تنظیم قانون در کلاس، ارائه فعالیت‌های مناسب در کلاس، الگو بودن برای دانش‌آموزان، هدایت فعالیت‌های دانش‌آموزان، جهت دادن به فعالیت‌های دانش‌آموزان، تسهیل‌کننده، ناظر، کمک‌کننده در ساخت دانش به دانش‌آموز، معلم باید برخوردار از صلاحیت‌های حرفه‌ای باشد. این یافته با نتیجه پژوهش‌های سینوسومه[1](۲۰۰۹)، تریکی و تاپینگ[2](۲۰۰۷)، کاتن[3](۲۰۰۲)، اورلاندو[4](۲۰۱۳)، مورسیون[5](۲۰۱٤)، فراهانی فرمهینی(۲۰۱۳)، ماسی و سانتی[6] (۲۰۱٦)، ونسیلیم[7](۲۰۰۵)، ونسیلیم (۲۰۱۳)، بارو[8] (۲۰۱۰)، لیپمن[9](۱۹۹۷)، ولیک[10](۲۰۰٤) و شلدارپ[11] (۲۰۰۹)، خسرونژاد(۱۳۸٦) هماهنگ و همسو می‌باشد. ارزشیابی از برنامه آموزش فلسفه به کودکان در این دوره به صورت کیفی و تکوینی است و همین‌که کودکان بتوانند در بحث‌ها و کلاس‌های آموزش فلسفه شرکت فعال داشته باشند کافی است و تشخیص این‌که آیا کودکان

[1] Sinusoma
[2] Tricky and topping
[3] Katen
[4] Orlando
[5] Morcion
[6] Massey and Santi
[7] Vnsilim
[8] Baroo
[9] Lipman
[10] Wlik
[11] Sheldarp

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

شرکت فعال داشته‌اند یا نه برعهدهٔ خود مربی و معلم است که با توجه به تفاوت‌های فردی و شناختی که از فراگیران خود دارد صورت می‌پذیرد .علاوه بر استفاده از روش خودارزیابی، مربیان و معلمان می‌توانند اثربخشی این برنامه را از طریق شفاهی و نیز تهیه پرسش‌نامه‌هایی مبنی بر پرسش گری، تفکر جمعی، سؤالات انتقادی کودکان، و استدلال پذیری کودکان در این دوره که به کمک والدین فراگیران تکمیل می‌شود ارزیابی کنند .فرایند محور بودن هم به‌صورت درجه‌بندی از کلیه کارهایی که در مراحل مختلف به دست کودک انجام می‌شود صورت می‌پذیرد و قضاوت کیفی از مجموعه فرایندهای آموزشی صورت می‌گیرد و هدف اصلی آن، علاوه بر اصلاح و بهبود و تجدیدنظر در فعالیت‌ها، تقویت حس کنجکاوی و تقویت فکر و عمل کودکان و اصولاً تشویق آنان و ایجاد آمادگی برای آموزش‌های پیچیده بعدی است. نکته این یافته پژوهش با نتایج پژوهش‌های علوی(۱۳۹۱)، مرعشی و همکاران(۱۳۸۷)، ساتکلیف و ویلیامز[1](۲۰۰۰)، لکی(۲۰۰۱)، قائدی و دیباواجاری(۱۳۹۰)، صباغ‌حسن‌زاده(۱۳۹٤) و موریس(۲۰۱٦) می باشد. تمامی برنامه درسی و طرح‌های آموزشی دارای پیامدهایی می‌باشد که این پیامدها از طریق ارزشیابی شناسایی می‌شود. بر اساس بررسی تحلیل اسناد انجام شده برنامه درسی آموزش فلسفه برای کودکان دارای پیامدها و بروندادهایی نظیر: کنترل رفتار کلامی، کنترل رفتار اجتماعی، پرورش مهارت‌های گفت‌وگومحوری، پرورش مهارت استدلال و پرورش مهارت‌های ارزیابی یا قضاوت می‌باشد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های عرفانی و رضایی(۲۰۱٦)، کاراداگ ودمیرتاش(۲۰۰۵)، دی‌ماسی و سانتی(۲۰۱۵) همسو می‌باشد.

پیشنهادات: با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود که:

۱-پیشنهاد می شود رفتارهای اخلاقی به شکل درونی پرورش یابند، به دنبال مهارت های تفکر منطقی، پرورش مهارت های ارتباطی، بهبود توانایی تعقل در دانش آموزان وپرورش خلاقیت باشیم.

[1] Sutcliffe and Williams

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

۲- پیشنهاد می شود مهارت خواندن برای فهمیدن، پرورش مهارت های استدلالی- قیاسی به کار گرفته شود.

۳- پیشنهاد می شود برای بیان افکار و خود شکوفایی استعداد های ذاتی دانش آموزان و پرورش آن اقدام شود.

٤- پیشنهاد می شود برای پرورش خود تنظیمی افراد و خود کنترلی تلاش شود، به دنبال حل تناقض های بین دانش آموزان از طریق گفتگو باشیم.

۵- در زمینه محتوا پیشنهاد می شود موضوعات اخلاقی در کتاب های داستانی بیان شود. مفاهیمی چون انصاف، دوستی، زیبایی شناسی را درکتابها بیاوریم .

٦- در ارتباط با منابع آموزشی پیشنهاد می شود از اشیاء متحرک، تصاویر متحرک، داستان های کوتاه استفاده شود.

۷- پیشنهاد می شود در فعالیت های یادگیری باید در قالب گروه های کوچک باشد، باید فعالیت ها مبتنی بر پرورش مهارت‌های استدلال باشد.

۸- وزارت آموزش و پرورش برای تدوین آموزش های فلسفه به کودکان در قالب برنامه درسی رسمی یا فوق برنامه از الگوی تدوین شده در پژوهش حاضر به عنوان راهنما استفاده نماید.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

منابع

باباپوروجاری، مریم ;میرشفیعی، زهرا ;ثابت دیوشلی، حسن، خوارزمی رحمت الله آبادی، رحیم (۱۳۹۵)،درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی با محوریت آموزش فلسفه به کودکان، اول**ین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم تربیتی و روان‌شناسی و مطالعات اجتماعی در ایران**، مرکز مطالعات و پژوهش‌های اسلامی، سروش حکمت مرتضوی .صص٦-١.

جلیلیان، سهیلا; عظیم پور، احسان و جلیلیان، فریبا (۱۳۹٦) اثربخشی برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر توسعه حل مسئله و قضاوت اخلاقی در دانش آموزان، **دوفصلنامه پژوهش های تربیتی**، شماره ۳۲، صص ۱۰۱-۸۰ .مجله اطلاع رسانی و کتابداری. مطالعات برنامه درسی. شماره ٦، ۲۱-۵۰

فیشر، رابرت(۱۳۸۵). آموزش و تفکر .ترجمه فروغ کیان زاده .اهواز: **انتشارات راشش**

قائدی، یحیی (۱۳۸۳) بررسی مبانی نظری آموزش فلسفه به کودکان **.انتشارات داوین .** تهران

قائدی، یحیی (۱۳۸۸) برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان دوره راهنمایی و دبیرستان **.مجله فرهنگ**، ٦۹ ;بهار ۸۸ ;صص ۱۰۰-۸۳.

قائدی، یحیی(۱۳۸۹)، فیلسوفان کوچک تهران: **آییژ .**

قبادیان، مسلم (۱۳۹٤)،تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان بر رفتار مدنی-تربیتی دانش آموزان پسر پایه نهم ناحیه یک خرم آباد **.دو فصلنامه علمی اندیشه و کودک** .شماره ۱، ۵۲-۳۱

کردی، عبدالرضا (۱۳۸۵). تقویت تفکر مدرن و نوآوری در کلاس درس. تهران. انتشارات مطالعات خانواده .محمودی، سیروس (۱۳۹۸). فراتحلیل اثربخشی اجرای برنامه فلسفه برای کودکان بر مهارت های فکری دانش آموزان. **دو فصلنامه علمی اندیشه و کودک**. شماره ۲، ۲۲۱-۲۰۱.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

کنعانی هرندی، ستاره; نوریان، محمد؛ نـوروزی، داریـوش; ابـایی کوپـایی، محمـود (۱۳۹۷). مدل برنامه درسی فلسفه برای کودکان بر اسـاس نتـایج تحقیقـات مـرتبط. **دو فصلنامه علمی اندیشه و کودک**. شماره ۲، ۱٤۲-۱۱۵

محمدی، فرزانه ;کرامتی، هادی .فرزاد، ولی الله ;عرب زاده، مهـدی (۱۳۹۸) بررسـی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان در پـرورش خلاقیـت کودکـان پـیش دبسـتانی **.دو فصلنامه علمی اندیشه و کودک** .شماره ۱، ۲۳٦-۲۱۳

محمدیان، بنتل هدایی؛ فرقدانی، آزاده (۱۳۹۷. اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر سنجش تعارض والدین و عزت نفس تحصیلی **.دو فصلنامه علمی اندیشه و کـودک .** شماره ۱، ۷۲-۵۳.

مرعشی، منصور ;صفایی مقدم، مسعود و خزامی، پروین (۱۳۸۹) بررسی تأثیر اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان به روش جامعه پژوهشی بر رشـد قضـاوت اخلاقـی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی اهواز، **دوفصلنامه علمی اندیشـه و کـودک**، سـال اول، شماره صص۱۰۲-۸۳.

نوعدوست باقری، محمد زهیر (۱۳۹۵). فلسـفه در کـلاس درس پژوهشـگاه علـوم انسانی و مطالعات فرهنگی .باقری، ک (۱۳۷۹). دیدگاه های نـوین در فلسـفه تعلـیم و تربیت. تهران. **انتشارات هستی**

A. F. and Amy, Z. (2005). Comparison of Lipman and Bernifier Styles. *Journal of modern religious thought*.No.2, PP.24-7

Hatami, H; Karimi, Y and Nouri, Z (2011). Investigating the effect of implementing a philosophy program for children on increasing the emotional intelligence of female students in the first grade of middle school in Shohada-e-Azadi school in the academic year of 2009-2010, *two quarterly journals of Thought and Child*, No 1, V(2), pp. 22-3.

Haynes, A. (2002). Children as Philosopher. *London & New York: Rutledge* Flamer.

Hedayati, M (2009) The effect of implementing a thinking education program called Philosophy for Children as a research community on improving self-esteem and interpersonal skills in

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

students in grades three to five of girls 'and boys' primary schools in District Five Education in Tehran. *two quarterly journals of Thought and Child*, No 2, V (3). pp35-52.

Hobbs, A. (2018). "Philosophy and the Good Life." *Journal of Philosophy in Schools*. No 5. pp 20– 37.

Montes, M & Maria, E. (2001). Juchitande los ninos, Abstract in OAPC.

Murris, K. (2016). The Philosophy for Children curriculum: Resisting 'teacher proof'texts and the formation of the ideal philosopher child. Studies in Philosophy and Education, 35(1),63-78.

Naji, S; Majid, H, Iraqi, L (2018). *Two Scientific Quarterly of Thought and Child.* No. 1, PP 30-1.

Page, H and Mukherjee, T (2007) Philosophy for children in transition: problems and prospects, *International Journal of Lifelong Education*, 33:4, pp 560-562.

Page, D & Mukherjee, A. (2007). Promoting Critical thinking skills by using negotiation exercises.CopyrightHeldrefpublications.Pg251. Sezer, R. (2008). Integration of critical thinking skills into elementary school teacher education courses in mathematics. *Education.128(3), pg*.349.proquesteducationjournals.

Qaedi, Y (2007). A Study of Theoretical Institutions of Philosophy Curriculum for Children from the Perspective of Rational Philosophers.

Rashtchi, M; Kevanfar, A (2009). Theoretical foundations of community exploration as a method of teaching philosophy to children, Culture Quarterly, *Philosophy for Children and Adolescents*, No. 69. pp. 58-39.

Safaei Moghadam, M (1998). Program for teaching philosophy to children. *Journal of Humanities*. No. 26 and 27. pp. 182-162.

Sajjadian Jagharq, N; Qaedi, Y; Amiri, M (2015). Designing a curriculum for teaching philosophy to Iranian children in the first grade of elementary school, *Quarterly Journal of Research in the Philosophy of Education*. No 1, V (1), pp. 80-63.

Sarmadi, M; Rezaei, M, Rouhanifar, A (2019). The effect of teaching philosophy to children on knowledge, sensitivity and environmental concern of seventh grade high school students. *Two Scientific Quarterly of Thought and Child*. No. 1, 173-149

Sharp, A. M. (2003). Graduate philosophy for children courses. NJ: Montclair state university, *Institute for the Advancement of philosophy for children*. Retrieved August 18,2010

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

Siddiqui, N., S. Gorard, and B. H. See. (2017). Non-cognitive Outcomes of Philosophy for Children. Durham: Durham Research Online.

Tabatabai, Z; Mousavi, M (2011). Investigating the effect of philosophy program for children on questioning and critical thinking of students in the third to fifth grades of Alavi primary school in Varamin, *bi-monthly journal of thinking and child*, No 2, V (1), pp. 73-9.

Tajbakhsh, F. (2008). Pathology of Philosophy and child plan. www.pac.org.ir

Tricky.S. (2006). Effects of p4c in 100 primary school. *Educational research*, No.1.pp 38-57.

Trozop, A, Polan, H (2010). Teaching philosophy along with the story. Translated by Mohammad Mehdi Saatchi, *Information Wisdom and Knowledge*. Fifth year. No. 3, 17-20

Worley, P. (2016). Philosophy and children. *The Philosophers' Magazine*, No (72), 119-120.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]